

بررسی تأثیر طراحی محیط کالبدی پاسخده برای کودکان بر رشد و روابط اجتماعی آنان از دیدگاه روانشناسی محیطی

سارا جامعی

کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، گروه معماری، جزیره کیش، ایران
Sara.jameie00@gmail.com

نازنین بالش زر

کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، گروه معماری، جزیره کیش، ایران
Nazanin.baleshzar00@gmail.com

چکیده

حس مکان هر محیط بستگی به نحوه ارتباط انسان با آن محیط دارد محیط از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار او تأثیر می‌گذارد. دوران کودکی به جهت نقش مهمی که در سرنوشت آینده انسان ایفا می‌کند، فرصت بی‌نظیری است که نباید آن را از دست داد. هدف این مقاله بررسی ابعادی از روانشناسی محیط است که در طراحی برای کودکان باید مورد توجه قرار بگیرد. پس از ارایه درآمدی بر مبانی محیط و شناخت روانشناسی محیط به بررسی شناخت کودک و نیازهای او و همچنین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شخصیت کودک پرداخته شد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی، بررسی‌های میدانی، مطالعات اسنادی، مصاحبه و مشاهده می‌باشد. نتایج حاصل از این مطالعه بیان می‌کنند محیط و بستر مناسب رشد کودکان، آن‌ها را در مسیرهای ارتباطی است که علاوه بر برآورده ساختن مقاصد در نظر گرفته شده، پاسخگوی نیازهای وجودی کودکان در مراحل رشد بوده، همچنین توجه به ضرورت‌ها و ایجاد تنوع در ویژگی‌های بصری و عاطفی محیط معماری می‌تواند با ایجاد حس امنیت و تعلق داشتن، تأثیر بسزایی در بهبود و افزایش روابط اجتماعی کودکان داشته باشد.

واژگان کلیدی: محیط معماری، کودک، روابط اجتماعی، روانشناسی محیط.

۱- مقدمه

امروزه می‌دانیم که انسان، نه موجودی منزوی و ایزوله، بلکه موجودی وابسته و در ارتباط تنگاتنگ با پیرامون خود است. این وابستگی نیاز نام دارد. نیاز، وابستگی ما انسان‌ها به آن‌چه بیرون از ما قرار دارد، برای رفع نقایص و کمبودهای درونی، در

جهت رشد و اعتلای خود می باشد. نیاز به عنوان محرک انگیزه در انجام رفتارهای مختلف، نقش مهمی در زندگی ما دارد و منشاء بسیاری از انگیزه‌ها و رفتارهای ما است (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱).

هنر پدیده‌ای است که می‌تواند اثر مستقیم بر روح و روان بشر بگذارد. بالاترین چیزی که انتظار می‌رود برقراری ارتباط معنوی با روان آدمی است. معماری در اغلب یکی از کاملترین و در برگیرنده‌ترین هنرها با پدید آوردن فضا تردیدی باقی نمی‌گذارد که تأثیر انکارناپذیری بر زندگی و روح انسان دارد. راه دشوار یک معمار برای خلق فضایی با ویژگی‌های کیفی و معنوی زمانی میسر است که وی با شناخت اشرف و مدیریتی معمارانه همراه با انتخابی آگاهانه بهترین سازوکار را بین سه عامل: مراتب فضا، انسان به عنوان تجربه‌کننده فضا و الگوی رویدادهای هر فضا، برقرار کند. معماری باید رابطه‌ای مسئولانه با انسان‌ها داشته باشد.

عوامل ادراکی و شناختی، معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط فرد رمزگشایی می‌شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند. «فریتز استیل» معتقد است حس مکان هر محیط بستگی به نحوه ارتباط انسان با آن محیط دارد از نظر او:

- رابطه انسان و مکان تعاملی است، یعنی انسان‌ها چیزهای مثبت یا منفی را به محیط می‌دهند و سپس از آن می‌گیرند بنابراین چگونگی فعالیت‌های مردم در کیفیت تأثیر محیط بر آن‌ها اثر گذار است.
- تصور مکان نه فقط کالبدی، بلکه روانی و تعاملی است و حس مکان به عنوان یک تجربه از ترکیب یک مکان، رفتار و آنچه انسان به آن می‌دهد به وجود می‌آید، به بیان دیگر برخی از چیزهایی که انسان در مکان ایجاد می‌کند، بدونا و مستقل از او به وجود نمی‌آیند.
- برخی از فضاهای آن چنان روح مکانی قوی دارند که بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابه می‌گذارند.

طراحی محیط کالبدی واجد کیفیت مطلوب، سبب تعریف سرزندگی در محیط می‌شود. یک محیط متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت‌ها، تصورات است. ایجاد یک محیط سرزنده توسط سه مؤلفه کلی صورت می‌گیرد. (حسین زاده، سلطان زاده، ۱۳۹۲)

جدول-۱. سه مؤلفه کلی محیط سرزنده (حسین زاده، سلطان زاده، ۱۳۹۲)

۱- مؤلفه عملکردی	<ul style="list-style-type: none"> • نفوذ پذیری (فیزیکی)، گوناگونی (فعالیت‌ها)، انعطاف پذیری • کیفیت امنیت محیط برای فعالیت‌ها
۲- زیبا شناختی - تجربی	<ul style="list-style-type: none"> • نفوذ پذیری (بصری)، گوناگونی (فرم‌ها)، خوانایی، انعطاف پذیری، تناسب بصری، غنای حسی و رنگ تعلق، امنیت
۳- مؤلفه زیست محیطی	<ul style="list-style-type: none"> • کیفیت اقلیم خرد فضا (آسایش اقلیمی) شامل: آفتاب‌گیری، سایه‌اندازی، باد، رطوبت و ... • کیفیت اصوات، بو و رایحه محیط • تقلیل آلودگی‌ها (هوا، زمین، آب)

۲- شناخت محیط

محیط از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار او تأثیر می‌گذارد و با توجه به اینکه روابط متقابل اجتماعی افراد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی در (قرارگاه‌های رفتاری) است. چگونگی فرآیند ادراک نیز در ایجاد تصورات ذهنی و تعلق افراد نسبت به قرارگاه با اهمیت است. فرآیند ادراک رابطه مستقیمی با جنبه‌های احساسی با

جنبه های احساسی محیط بر می انگیزد دارد، در دوران مدرنیسم شهرسازی و معماری ارتباط بنیادی با ساختارهای قدرت داشت. طی چند دهه اخیر این مسئله ادامه داشت و حتی برخی از ابعاد آن دچار پیچیدگی های بیشتری نیز شده است.

۳- روانشناسی محیط

در روانشناسی محیط، ادراک انسان از محیطی که دوروبر خود ساخته است تابع فرهنگ اوست ولی اغلب به این مطلب توجه کافی نمی شود، کسی که می خواهد در مکانی سکونت کند بایستی بتواند به راحتی محیط اطراف خود را تجربه کند. تجربه درک فضای بیرون و درون و تقابلی که باید یک انسان سالم بین آن دو احساس کند را «رابرت ونچوری» اینگونه بیان می کند: تضاد درون و بیرون را میتوان یکی از مهم ترن مظاهر تضاد در معماری دانست اگرچه یکی از مشهورترین و مقبول ترین تعالیم قرن بیستم منع جدایی این دو امر بوده است و همیشه گفته اند (آنچه در داخل است بایستی به وسیله نمای خارجی عرضه شود). اگر بپذیریم درون یک اثر معماری به جز در فضاهای عمومی و کلان عرضه خصوصی زیست است و باید از دنیای بیرون جدا شود، دنیای بیرون، طبقه گفته «ماریو بوتتا» این محیط ویژه را می توان بستر ساختمان نامید، ارتباط بین معماری و بستر آن ارتباطی نقش گرفته از یک تاثیرپذیری متقابل است. می توان گفت که این بستر و معماری آن در تماس دوجانبه و همیشگی بوده و همواره با هم در ارتباط هستند.

روان شناسان محیطی نیز خود را ملزم به پژوهش هایی در رفتار انسان در محیط روزمره اش ساخته اند تا بتوانند تاثیرات محیط کالبدی را به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم بر رفتار انسان بررسی نمایند. از نقطه نظر روان شناسان معماران باید تاکید بیشتری بر مسائل «کارکردی بودن فضاهای طراحی شده» داشته باشند تا مسائل زیبایی شناختی. از این رو روانشناسان معتقد بودند که طراحان نباید نیازهای واقعی و روزمره استفاده کنندگان را قربانی خواسته های زیبایی شناسانه و انتزاعی خویش بسازند و لذا در غیر اینصورت مردم را بیش از پیش با محیط طراحی شده نامأنوس می سازند.

۴- ارتباط انسان و محیط

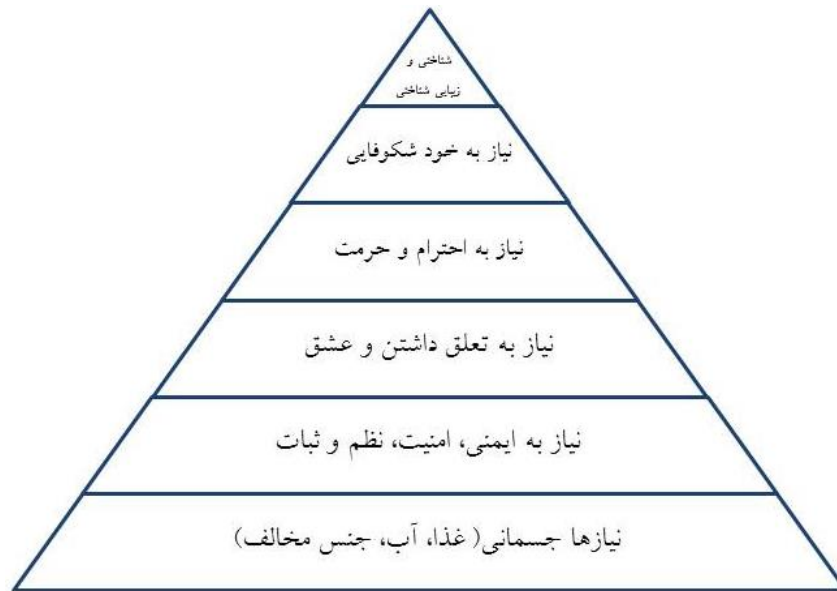
انسان با توجه به نیازها، ارزش ها و هدف های خود محیط را دگرگون می کند و به طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می گیرد به ویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می شود تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. برخی این گونه دگرگونی سریع محیط را مخرب و موجب اختلال در نظام) اکولوژیک انسان - محیط (می دانند و بر این نکته تأکید دارند که هر نوع دگرگونی اساسی و عمیق در محیط، باید با توجه به تأثیر بلند مدت آن بر انسان و با پیش بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد. این بررسی های روانشناختی محیط، انسان را از محیط وی جدا نمی کند بلکه انسان را به عنوان بعدی غیر قابل تفکیک از شرایط محیط مورد پژوهش و بررسی قرار می دهند در روانشناسی محیط به آداب، رسوم، ارزش ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی توجه می شود. در گروه دیگری از بررسی های تخصصی برای تشریح علل پیدایش و هدف های روانشناسی محیط به جنبه های کاربردی توجه می شود. چون ادراک یک محیط تنها نتیجه دریافت و تجزیه و تحلیل تحریکات ارگان های حسی نیست و سه عامل بسیار مهم زیر نیز در آن نقش اساسی دارند.

- وضع روحی انسان در آن لحظه و حال و هوای محیط در زمان ادراک.
- خلق و خوی شخصی، که چیزی است نقش گرفته از تمامی تجربیات و وقایع گذشته شخص بیننده.
- عامل موروثی و زمینه اجتماعی.

در نتیجه تأثیر یک محیط بر انسان نیز که ناشی از ادراک آن است متأثر از عوامل مذکور است از این رو تأثیر یک محیط بر افراد مختلف متفاوت است و این امر موجب سبک های مختلف در معماری های داخلی فضا می تواند شود.

۵- شناخت نیازهای انسانی

مازلو معتقد است که انسان ها نیازهای مختلفی دارند این نیازها نه به صورت بی ارتباط و جدای از هم ، بلکه به صورت سلسله مراتبی از نیازها در طول زندگی فرد بروز می یابند(پاکزاد،۱۳۹۱).



نمودار ۱ ، سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو(مأخذ: الفبای روانشناسی محیط برای معماران،پاکزاد،۱۳۹۱)

• نیازهای جسمانی - زیستی

این نیازها که جزو احتیاجات اولیه ما انسان ها محسوب می شوند، شامل مواردی مانند نیاز به هوا ، غذا، دفع زوائد، تمدید قوا، تأمین بهداشت، پرورش جسم و... می باشند که در واقع به بقای ما مربوط می شوند، برای ادامه حیات ضروری بوده و از ابتدای زندگی همراه با ما هستند.

• نیازهای ایمنی

پس از دوران نوزادی و کودکی به تدریج از وابستگی ما به والدین کاسته شده و احساس می کنیم که خود مسئول حفاظت از خویش هستیم. در این شرایط به تدریج احساس نیاز به تأمین ایمنی و امنیت افزایش می یابد. این نیاز که در تمامی سنین وجود دارد ، مستلزم این است که احساس کنیم تکیه گاه و پناه گاهی به دور از انواع خطرات داریم.

• نیازهای تعلق پذیری و عشق

ما انسان ها، هر قدر که از نظر روحی و فکری متعالی باشیم، باز هم جهان را در ارتباط با خود می بینیم. ترجیح می دهیم که برخی از چیزها و اشخاص را وابسته به خود بپنداریم و به طور متقابل خود نیز به آنها وابسته می شویم. دوست داریم بعضی از

چیزها به ما تعلق داشته باشند و ما نیز به برخی از آنها احساس تعلق خاطر داریم. احساس تعلق ما را به محیط و افراد پیرامون پیوند می دهد.

• نیازهای احترام

این نیاز در کلیه سنین وجود دارد و به طور معمول به دو صورت بروز می کند. اول نیازی که به احترام از طرف خودمان داریم و دیگری نیازی که به احساس احترام از طرف دیگران داریم. به این معنی که با پشت سر گذاشتن دوران کودکی و رسیدن به بزرگسالی خود را باز می شناسیم و به تدریج خود، قابلیت ها و تواناییهای خود را ارزیابی می کنیم. در ارتباط با دیگران نیاز داریم که مورد احترام واقع شویم، تواناییهای ما شناخته شده و در مورد آن ها قضاوت درستی صورت پذیرد.

• نیاز به خودشکوفایی

در جریان شکل گیری اهداف ما در زندگی و اعتقادات ما نسبت به وجود خود و راهی که در طول عمر خود دنبال می کنیم، ایده آل هایی از انسان برتر در ذهن خود می سازیم و سعی می کنیم با تقویت تواناییهای خود به آن برسیم. سرچشمه این سعی و تلاش برای بهتر شدن و بهتر بودن، نیاز به خود شکوفایی است.

• نیاز های زیباشناختی و شناختی

احساس زیبایی کششی است که ما را به خود جذب کرده و باعث لذت و تحسین ما می شود. احساس لذت از درک زیبایی به حدی رضایت و آرامش تبدیل می کند. اما نیاز به زیبایی از دو جنبه مطرح می شود. گاه ملاک زیبایی احساس خوشایندی است که از تجربه برخی از پدیده ها بدست می آوریم و گاه حس زیبایی حاصل از مقایسه آنچه درک می کنیم با معیارهای زیباشناختی درون ذهن می باشد. این ملاک ها بیش از اینکه از احساس و عواطف فردی ما نشأت بگیرند از منطق، عقل و در نهایت فرهنگ متأثر هستند (پاکزاد، ۱۳۹۱).

۶- شناخت کودک:

آنچه مسلم است شناخت ویژگی ها و خصایص کودک و آنچه در مسیر رشد و تعالی و به ثمر رساندن یک کودک لازم است، می تواند در طرح محیطی مناسب برای کودکان راهگشا و موثر باشد. در این بخش قبل از بیان هر مطلبی توجه به تعریف «کودک» از دیدگاه صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) ضروری به نظر می رسد. براساس این تعریف هر انسان با سن کمتر از ۱۸ سال در ردیف کودکان واقع می شود. پس سنین نوجوانی هنوز در گروه و زیر مجموعه کودکی و واجد شرایط آنان می باشد.

پیازه روان کودک را به گیاهی تشبیه می کند که از یک سو تحت تأثیر محیط خارجی است و از سوی دیگر از درون و متناسب با نیروهای داخلی به رشد خود ادامه می دهد. او با طرح چنین دیدگاهی به فعال بودن روان کودک و تأثیر پذیری از محیط خارجی تأکید می کند و به چنین تأثیرگذاری و تأثیر پذیری، الگوی تأثیر متقابل زیستی گفته می شود. یکی از نظرات معروف ژان پیاژه، نظریه رشد شناختی ادراکی است. او معتقد است که رشد شناختی ادراکی کودک وابسته به رشد طبیعی او می باشد و چنین رشدی خود از دوره ها و مراحل مختلفی تشکیل شده که هر مرحله مکمل مرحله پیش از خود در نظر گرفته شده است (مجیدی زنجانی و مجیدی زنجانی، ۱۳۹۲).

۷- تأثیر محیط بر رفتار

فرض بر این است که محیط در سطوح مختلفی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتارهای آنی تابعی از وضعیتی هستند که در آن اتفاق می‌افتد. برای مثال آرایش مبلمان در یک اتاق بر شیوه تعامل افراد در آن اتاق با یکدیگر تأثیر می‌گذارد. شخصیت مردم یک کشور توسط طبیعت و نوع محیطی که برای مدتی طولانی در آن زندگی می‌کند شکل می‌گیرد. (موس، ۱۹۷۶) رفتار انسان به واسطه ویژگی‌های وراثتی افراد و محیطی که در آن زندگی می‌کنند تعریف می‌شود. افرادی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند صاحب ارزش‌های فرهنگی متفاوتی هستند. فرهنگ از عواملی نظیر باورهای اساسی، ارزش‌ها و اخلاق ساخته می‌شود. ارزش‌های فرهنگی با روحیه انسان عجین می‌شود، پس می‌توان گفت که معماری همچون سایر رفتارهای انسان متأثر از موقعیت فیزیکی و فرهنگی او در جهان است. گاهی اوقات ویژگی‌های فردی و محیط چنان با رفتار انسان ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند که تشخیص روشن این که رفتار معلول ویژگی‌های فردی است و یا محیط دشوار است.

۸- روانشناسی رفتار کودک:

دوران کودکی به جهت نقش مهمی که در سرنوشت آینده انسان ایفا می‌کند، فرصت بی‌نظیری است که نباید آن را از دست داد. فرصتهای یادگیری در اوایل دوران زندگی کودک آثار مهمی در پرورش تواناییهای بعدی او دارد. چرا که بیشترین رشد هوشی کودک در ۴ سال اولیه زندگی اتفاق می‌افتد بطوریکه این رشد معادل رشد هوشی در ۱۳ سال بعدی زندگی اوست. کودک انسان کوچک است که همه چیز را درک می‌کند و هر دوره از زندگی او وابسته به دوره دیگری است، رشد جسمانی کودک همیشه یک سیر صعودی را طی می‌کند که گاهی سریعتر و گاهی کندتر است ولی باید دانست که رشد روحی و اخلاقی کودک همیشه دارای یک روند تکاملی نیست. به عبارت دیگر خصوصیات اخلاقی هر سن همیشه نکات خوب و بد هر دو را داراست و تضمینی برای صعود اخلاقی و روحی همراه با رشد جسمی وجود ندارد. معمولاً در بچه‌ها بطور طبیعی اشتیاق به یادگیری وجود دارد. لیکن تا قبل از ۷ سالگی قادر به یادگیری از طریق خواندن و نوشتن نیستند. آنها از محیط زیست خود، از یکدیگر، از بزرگسالان و بچه‌های بزرگتر از خود همواره چیزهایی یاد می‌گیرند. یادگیری کودکان مستمراً در هر زمان و مکان در جریان است و بیشترین میزان یادگیری آنان از طرق فعالیت‌ها و مهارتهایی است که توسط خودشان انجام می‌گیرد. کودک در فاصله سنی ۶ سالگی تا آغاز دوره نوجوانی مرحله تجربه و آشنایی با محیط آموزشی را می‌گذراند و ساعات فراغت خود را معمولاً برای جبران ضعف در خواندن، صرف خواندن کتابهای غیر درسی می‌کند. در این زمان، فراهم آوردن کتب مناسب این سن، می‌تواند علاقه به کتاب را برای همیشه در وجود او فراهم کند. در این سن جنه‌های رشد هوشی، اجتماعی و عاطفی کودک همچنان در جریان است و تخیل او کم‌کم رنگ منطقی‌تری به خود می‌گیرد. علاقه کودک به نزدیک شدن به بزرگسالان بصورت تکرار حرکات آنها و علاقمندی به مشارکت در انجام کارهای دستی در آنها به خوبی قابل مشاهده است. (افروز، ۱۳۸۹).

۹- عوامل موثر در ایجاد شخصیت در کودکان

شخصیت اگر هم ریشه ارثی داشته باشد ولی بطور قطع متأثر از عوامل بسیاری است که در اثر محیط ایجاد می‌گردد که مهمترین این عوامل عبارتند از:

- **وضع جسمانی :** که عاملی است ارثی و موثر در شخصیت فرد. اندام ، قیافه ، سلامتی ، نواقص جسمانی ، تحریک پذیری حواس ، طرز کارکردن غدد داخلی و اعصاب ، همگی اثراتی را در حالات روانی شخص دارد که بدون رابطه با شخصیت فرد نیست .
- **احساس و قبول مسئولیت :** اینکه به والدین و مربیان توصیه شده است که به کودکان مسئولیت های درخور تواناییهای آنها واگذار نمایند، برای این است که نهال شخصیت و اعتماد بنفس در وجود آنها کاشته شده باشد تا در دوران جوانی رشد نماید. نوجوانان باید از یک طرف نسبت به خود احساس مسئولیت نمایند یعنی ، خود را حفاظت و نگهداری کنند و از طرف دیگر درانجام کارهای اجتماعی زیاد وابسته دیگران نباشند.
- **خود شناسی و احساس اطمینان کردن :** خودشناسی و درک توانائی و استعداد های خود یکی از عوامل مهم شخصیت است .بیشترین رشد هوشی کودک در ۴ سال اولیه زندگی اتفاق میافتد بطوریکه این رشد معادل رشد هوشی در ۱۳ سال بعدی زندگی اوست . کودک انسانی کوچک است که همه چیز را درک می کندو هر دوره از زندگی او وابسته به دوره دیگری است ، رشد جسمانی کودک همیشه یک سیر صعودی را طی می کندکه گاهی سریعتر و گاهی کندتر است ولی باید دانست که رشد روحی و اخلاقی کودک همیشه دارای یک روند تکاملی نیست . به عبارت دیگر خصوصیات اخلاقی هر سن همیشه نکات خوب و بد هر دو را داراست و تضمینی برای صعود اخلاقی و روحی همراه با رشد جسمی وجود ندارد. همچنین باید دانست که روحیات کودک از نوعی تناوب برخوردار است بدین معنی که در بعضی از سنین او دارای سازگاری و تعادل بیشتری با خود و مردم است و در برخی دوره ها ذاتاً ناراحت و ناراضی است و این دو حالت معمولاً به صورت تناوبی و یکی پس از دیگری اتفاق می افتد. (مولی و راسل، ۱۳۶۴).

۱۰- محیط های مناسب کودکان:

منظور از طرح و اجرای محیط مناسب برای کودکان ، فراهم نمودن بستر و عاملی مؤثر ، جهت تحقق قابلیت های بالقوه وجودی برای شناختن وجوه شخصیتی و جسمی و تأمین رشد کامل آنان است . به عبارت دیگر نقش محیط فیزیکی در رشد کودک را از یک سو به عنوان بستری برای شکل گیری قالب های فطری و طرح کلی ابعاد وجودی او و از سوی دیگر عاملی مؤثر برای پایه ریزی و گسترش داشته های ذهنی ، محتوای شناخت و مهارت های بدنی ، وی می توان در نظر گرفت . محیط و بستر مناسب رشد کودکان شامل آن اماکن و مسیرهای ارتباطی است که علاوه بر برآورده ساختن مقاصد در نظر گرفته شده برای هر یک پاسخ گوی نیازهای وجودی کودکان در مراحل رشد بوده و با توانایی های ان ها نیز هماهنگ باشد.

کودک برای رشد ، قبل از هر چیز به ارضاء عاطفی و احساس پیوند با محیط فیزیکی و اجتماعی خود نیازمند است . بنابراین مشخصه محیط مناسب ، وجود محرکها و انگیزه های لازم و منطبق با هر مرحله رشد کودک است . هنگام طراحی مفیدترین ترفند به منظور ایجاد پیوند عاطفی بین کودک و محیط و جلوگیری از روحیه ناخرسند در او ، در نظر گرفتن وابستگی ها و تمایلات جسمی و عاطفی کودکان در هر مرحله از رشد است .

مساله مهم دیگر که در حفظ پیوند کودک با محیط و ایجاد حس امنیت روانی برای او موثر است ، وضوح و خوانایی محیط برای کودک می باشد . محیطی که آن را به سهولت درک و تعبیر نماید ، بنابراین یکی دیگر از ویژگیهای محیط مناسب ، انطباق داشتن با توانایی شناختی و ادراکی کودکان است در عین حال که به گسترش طرحهای ذهنی و شناخت آنان یاری رسانده بروز خلاقیت را ممکن می سازد.

۱۱- عوامل تأثیر گذار بر طراحی برای کودکان

- **ویژگیهای فضاهای مناسب برای کودکان:** کودک برای رشد قبل از هر چیز به ارضاء عاطفی و احساس پیوند با محیط فیزیکی و اجتماعی خود نیازمند است. هنگام طراحی مفیدترین ترفند به منظور ایجاد پیوند عاطفی بین کودک و محیط و جلوگیری از روحیه ناخرسند در او، در نظر گرفتن وابستگی‌ها و تمایلات جسمی و عاطفی کودکان در هر مرحله از رشد است. توجه به جغرافیای فضا در طراحی محیط و ایجاد تنوع در ویژگی‌های بصری و عاطفی گوشه‌ها و زوایای مختلف آن می‌تواند تأثیر بسزایی در سازگاری کودکان یا مکان داشته و تعلق خاطر آنان را افزایش دهد و از جمله عوامل مهمی که در حفظ پیوند کودک با محیط مؤثر است وضوح و خوانایی محیط برای کودک است. محیطی که آنرا به سهولت درک و تعبیر نماید. بنابراین به بررسی ویژگی‌هایی از محیطی مناسب که بتواند یا توانایی شناختی و ادراکی انطباق داشته و در عین حال به گسترش طرح‌های ذهنی و شناخت آنان یاری رسانده و بروز خلاقیت را ممکن سازد (طاهری و میرزابیگی، ۱۳۹۳).
- **بازی و رشد اجتماعی:** در میان اقسام بازی، بازی‌هایی که فرآیند خود کودکان است و ما آنها را بازی‌های ابتکاری یا موضوع دار و نقش دار می‌نامیم اهمیت ویژه‌ای دارند. در این بازی‌ها، خردسالان آنچه را که در محیط کوچک خود از فعالیت‌های بزرگسالان می‌بینند تقلید می‌کنند. بازی‌های ابتکاری به شخصیت کودک شکل می‌دهد و از اینرو وسیله پر ارزشی در تربیت او محسوب می‌شود، این بازی‌ها بازتابی از فعالیت‌های اجتماعی و زندگی‌اند.
- **احساس امنیت:** مهم‌ترین فضایی که هر کودکی در وهله اول تجربه می‌کند، خانه است. خانه فضایی است که در آن اصلی‌ترین دریافت‌های هر کودکی به شکل طبیعی به دست می‌آید. جداسدن از خانه و خانواده و پیوستن به محیط‌های اجتماعی که دارای شرایط متفاوتی است، برای او یک رخداد هیجان‌انگیز و گاه دلهره‌انگیز است. برای اینکه بچه‌ها بتوانند به آسانی خود را با محیط‌های جدید تطبیق دهند، لازم است بتوانند موقعیت خود را در فضا در هر لحظه به درستی تشخیص دهند، در غیر اینصورت احساس ترس و ناامنی می‌کنند. هر بخش، فضا، گذر و عبور باید در ساختمان آشکارا بیان شود.
- **فضای رنگارنگ:** رنگ‌ها در شخصیت انسانها، بخصوص کودکان تأثیر بسزایی داشته، باعث ایجاد تجربه‌های هیجانی از قبیل شادی، خنده، غم، اندوه، آرامش، تحریک‌پذیری، سکون و هیجان می‌شود. در کودکان این خصیصه شدت می‌یابد، آنان به سبب روح پاک و بی‌آلایش و شاد و پر طراوت خویش رنگ‌های زنده و مرکب که در ترکیبی مناسب با هم قرار گرفته باشند را ترجیح می‌دهند این موضوعی است که در طراحی و تزئین و رنگ‌آمیزی فضاهای داخلی و خارجی باید مورد توجه قرار گیرد. با رنگ‌های مختلف می‌توان اندازه و وزن یک شی‌معین را کوچک یا بزرگ، سبک یا سنگین جلوه داد (آزموده، ۱۳۹۱).
- **محیط طبیعی و کودک:** با توجه به پیوستگی و تحت تأثیر بودن کودکان در مجموعه‌های زیستی و فضاهای عمومی شهری، ضمن آنکه باید عوارض ناشی از این مشکلات را به حداقل رسانید و جلوه‌های طبیعت زنده را برای کودکان در بهشت زمینی آنان فراهم آورد. حتی الامکان باید آنان را برای ساعاتی از روز به فضاهایی سالم و مرتبط با طبیعت، در کنار یک زندگی اجتماعی سالم هدایت کرد. این مورد لازمی زندگی کودکان در شهرهایی است که غوغای ناشی از فعالیت و کار، جایی برای نزدیکی آنان با طبیعت را باقی نگذاشته است. نسل آینده ملت‌ها فقط از

طریق کودکان سالم و وانخورده از تأثیرات منفی غوغای صنعت بوجود خواهد آمد. بچه های سرگردان در شهرها ، سرگردان پیدا کردن حلقه های پیوند با طبیعت اند. اگر ارتباط با طبیعت برقرار باشد و شرایط زیست کودک، آن سان که طبیعت فراهم آورده ، مهیا شود، به مثابه پادزهری می ماند که جلوگیری از عوارض اجتماعی نیز خواهد بود(آزموده، ۱۳۹۱).

- **فعالیت های ذهنی کودک:** فعالیت های ذهنی کودک را بطور کلی می توان به دو نوع تقسیم کرد: بدون جهت و جهت دار. فعالیت ذهنی بدون جهت معمولا به صورت همخوانی آزاد اندیشه ها ، خواب و تخیلات می باشد و بهترین مثال آن تفکر کودکی است که از مدرسه به منزل می رود. در مورد این فعالیت ذهنی تحقیق زیادی انجام نگرفته است زیرا نمی توان به سهولت از محتویات خصوصی افکار یک طفل آگاهی یافت. فعالیت ذهنی جهت دار هنگامی ملاحظه می شود که طفل در صدد حل مسأله ای برآید. کودک راه حل را پیدا می کند و می داند چه زمانی به نتیجه خواهد رسید.
- **خلاقیت:** آدمی از بدو تولد موجودی پرسشگر است و این در کودکان با رفتارهای مبهوت کننده کاملا ملموس است. چشمانی که دائم در حال جستجو است، یا گوش هایی که منتظر کوچکترین تحریک برای پیدا کردن منبع صداست و اندامی که با خستگی ناپذیری به هر گوشه ای سرک می کشد، ولی متأسفانه در بیشتر مواقع این روحیه خلاق تحت تأثیر جهان بزرگسالان نابود می شود. (حسین پور و نجفی، ۱۳۹۱).

۱۲- قابلیت های محیطی برای کودکان

قابلیت ها که بر اساس تعریف گیبسون اشاره به خاصیت های قابل توجه عملکردی محیط دارد، یک ایده ی مناسب روانشناسی را برای تحلیل روابط در حال تکامل محیط کودکان فراهم می کند. به نظر گیبسون، افراد و حیوانات، دنیایی را که در آن زندگی می کنند نمی سازند، اما آیا ویژگی های اطلاعاتی موجود در محیط ، هماهنگ می شوند. قابلیت ها، خاصیت های قابل توجه عملکردی محیط هستند که از طریق بازیابی فعال اطلاعات درک می شوند. قابلیت ها، ویژگیهایی از محیط و اقدام فردی را شامل شده و همیشه برای هر فرد و هر گروه خاصی از مردم منحصر بفرد و مختلف می باشند. سطوح مختلف قابلیت ها عبارتند از: قابلیت های بالقوه، درک شده، استفاده شده و شکل داده شده. برای مثال یک پسر کوچک ممکن است به طور مستقل ، قابلیت بالقوه بالا رفتن از درخت را درک کند اما قبل از استفاده از این امکان، والدینش او را یا به شجاع بودن و بالا رفتن از درخت تشویق و یا او را از این کار به دلیل امکان آسیب رسیدن به لباسش ، منع می کنند. تحلیل هایی دگرگون از چندین مطالعه ی مشاهده ای روی فعالیت های کودکان در بیرون از ساختمان، به انجام رساند و طبقه بندی از قابلیت های محیطی کودکان را شکل داد. طبقه بندی اصلی شامل ۱۰ گروه عملکردی بود (Kytta, ۲۰۰۲).

جدول ۲- طبقه بندی عملکردی از قابلیت ها (Kytta, ۲۰۰۲)

کیفیت های محیطی که قابلیتهای خاصی را تقویت می کنند	قابلیت ها	فرصت هایی محیطی برای گروه گرای	قابلیت ها برای گروه گرای
سطوح مسطح و تقریبا نرم	<ul style="list-style-type: none"> • قابلیت برای دوچرخه سواری • قابلیت برای دویدن • قابلیت برای جست و خیز کردن 	<ul style="list-style-type: none"> • قابلیت برای بازی کردن در یک نقش • قابلیت برای بازی کردن بازی 	

<ul style="list-style-type: none"> • های قانون دار • قابلیت برای خانه بازی • قابلیت برای جنگ بازی • قابلیت برای پر سرو صدا بودن • قابلیت مشارکت/ پیروی از کارهای بزرگسالان 	<ul style="list-style-type: none"> • قابلیت برای اسکیت کردن • قابلیت برای لی لی کردن • قابلیت برای اسکی کردن • قابلیت برای بازی کردن
	<ul style="list-style-type: none"> • شیب های تقریبا نرم • قابلیت دوچرخه سواری با سر خوردن در سرازیری • قابلیت برای اسکیت بورد سواری
	<ul style="list-style-type: none"> • چیزها قابل در دست گرفتن/ مجزا • قابلیت برای پرتاب کردن • قابلیت برای کندوکاو و کشف کردن • قابلیت برای ساختن سازه ها • قابلیت برای بازی کردن با حیوانات • قابلیت برای استفاده کردن از گیاهان • در بازی
	<ul style="list-style-type: none"> • چیزهای متصل به هم • قابلیت برای پریدن • قابلیت برای پایین پریدن از جایی
	<ul style="list-style-type: none"> • چیزهای غیر صلب متصل به هم • قابلیت برای تاب خوردن روی چیزی • قابلیت برای معلق بودن
	<ul style="list-style-type: none"> • ویژگی صعود • قابلیت برای بالا رفتن از درخت، کوه • قابلیت برای نگاه کردن از بلندی
	<ul style="list-style-type: none"> • سرپناه • قابلیت برای مخفی دن • قابلیت برای بودن در صلح و آرامش
	<ul style="list-style-type: none"> • مصالح قابل قالب گیری • قابلیت برای قالب گیری از چیزی • قابلیت برای ساختن چیزی از برف
	<ul style="list-style-type: none"> • آب • قابلیت برای شنا کردن • قابلیت برای ماهیگیری • قابلیت برای اب بازی

طرح ریزی خوب، افزایش مقدار و نوع قابلیت ها را امکان پذیر می سازد/ این امر، برای مثال، از طریق مهیا کردن تسهیلات امن برای بازی های آبی و یا ایجاد مکان های پنهان و کنج های مخفی، به شرط پیشگیری از خطر اجتماعی، ممکن می گردد. ایجاد محیط هایی که برخورد اجتماعی بین کودکان را تقویت کند، باید مورد توجه قرار گیرد. پروژه های مشارکتی کودکان نشان می دهد که آنها به خوبی از نکات ضعف همسایگی خود آگاه هستند، به خصوص زمانی که برای آب بازی یا طراحی مکان های سرپوشیده و محیط هایی برای ملاقات هاف برنامه ریزی می کنند (Kyttä, ۲۰۰۲).

۱۳- نتیجه گیری

پژوهش حاضر پس از بیان خصوصیات محیط، روانشناسی محیط، خصوصیات کودکان و بررسی عوامل تأثیر گذار در طراحی برای کودکان به بررسی چگونگی تأثیر طراحی محیط کالبدی پاسخده برای کودکان بر رشد و روابط اجتماعی آنان از دیدگاه روانشناسی محیطی می پردازد.

معماری همچون سایر رفتارهای انسان محصول کیفیت ادراک او از جهان است. اگر انسان مطابق درکی که از جهان دارد معماری می‌کند پس محصول عمل او یعنی کالبد معماری آینه‌ای است که جهان ادراکی انسان را باز می‌نماید. کودکان به عنوان شهروندانی کاملاً متفاوت، نیاز به رشد و تکامل در یک فضای معماری منطبق بر خصوصیات خود را دارند. در طراحی محیط‌های کودکان باید امنیت، انگیزش و رشد کودک و همچنین بکارگیری تمامی حواس پنجگانه کودک مورد توجه قرار بگیرد. محیط و بستر مناسب رشد کودکان، آن اماکن و مسیرهای ارتباطی است که علاوه بر برآورده ساختن مقاصد در نظر گرفته شده، پاسخگوی نیازهای وجودی کودکان در مراحل رشد بوده، همچنین توجه به ضرورت‌ها و ایجاد تنوع در ویژگی‌های بصری و عاطفی محیط معماری می‌تواند با ایجاد حس امنیت و تعلق داشتن، تأثیر بسزایی در بهبود و افزایش روابط اجتماعی کودکان داشته باشد.

منابع

- آزموده، مریم، ۱۳۹۱، معماری و طراحی برای کودکان، نشر علم و دانش.
- افروز، غلامعلی، (۱۳۸۹)، مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پاکزاد، جهان‌شاه، بزرگ، حمیده، ۱۳۹۱، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، تهران، انتشارات آرمانشهر.
- حسین پور، سید علی - نجفی، محدثه، ۱۳۹۱، طراحی مهد کودک با نگاهی به تقدس در معماری ایرانی، انتشارات طحان.
- حسین زاده، ریحانه. سلطان زاده، حسین، (۱۳۹۲)، انعطاف‌پذیری محیط و تأثیر آن بر رفتار کودک بی‌سرپرست، همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا.
- طاهری، زینب - میزرابیگی، مهوش، ۱۳۹۳، ارائه طرح مرکز خلاقیت برای کودکان نگرشی جدید در معماری پایدار (مطالعه موردی: ایلام)، اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه.
- مولی و راسل اسمارت، ۱۳۶۴، روانشناسی رشد کودکان و نوجوانان، ترجمه سوسن سیف، تهران، انتشارات وحید.
- Altman I. The environment and social behavior. Monterey, CA: Brooks/Cole Publishing Company. (۱۹۷۵).
- Kytta, Marketta (۲۰۰۲). "Affordances Of Children's Environments In The Context Of Cities, Small Towns, Suburbs And Rural villages In Finland And Belarus", Journal of Environment Psychology, ۲۲, ۱۰۹-۱۲۳.
- Van Andel, J. (۱۹۸۴/۱۹۸۵). Effects on children's outdoor behavior of physical changes in a Leiden neighborhood, Children's Environments Quarterly, ۱, ۴۶-۵۴.